گونه‌شناسی سازمان‌دهی فضایی مسکن بومی سیستان از نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته

زهره اویسی‌کیخا*، حسینعلی کاوش**، ابوالفضل حیدری***، جمشید داوطلب****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

چکیده
گونه‌های مسکن، حاصل روابط میان نیازهای انسان و محیط او می‌باشد و به‌دلیل روش‌های گوناگون زندگی انسان و شرایط محیطی، متغیر و پیچیده است و آنچه آن‌ها را از هم متفاوت می‌کند نه اجزای تشکیل‌دهنده گونه، بلکه منطق استقرار و آرایش فضایی اجزا است؛ که بسته به شرایط زمانی، مکانی و شیوه‌های سکونت تغییر می نماید و معرف ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اقلیمی آن شیوه است. شناخت و پاسداشت ارزش‌های معماری بومی به‌ویژه معماری روستایی، ضمن حفاظت از سرمایه‌های ملی تاریخی کشور، کمک می‌نماید تا با کشف رازها و حقایق پنهان این معماری، اصول پایدار به‌جای‌مانده از گذشته در کالبد جدید جاری گردد و هویت و اصالت معماری روستایی حفظ شود. همچنین گونه‌های مسکن بومی، به‌خصوص در مناطق روستایی به‌شدت متأثر از محیط پیرامون خود می‌باشد؛ بنابراین ورود به بحث گونه‌شناسی مسکن هر منطقه مستلزم شناخت بستر، مکان و بافت روستایی آن منطقه است. این مقاله منتج از بررسی و مطالعه نمونه‌های مسکن بومی از ۲۰ روستای منتخب سیستان است که با استفاده از برداشت‌های میدانی، مشاهده و مطالعه کتابخانه‌ای تهیه شده و با استفاده از روش تحقیق توصیفی‌تحلیلی به انجام رسیده‌است؛ بنابراین رویکرد این پژوهش، گونه‌شناسی سازمان‌دهی فضایی مسکن بومی سیستان از نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته است و این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که آیا می‌توان انواع مسکن بومی سیستان را در قالب گونه‌هایی مشخص با ویژگی‌های مشابه از نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته دسته‌بندی کرد؟ نتایج تحقیق نشان داد که منطقه سیستان، دارای شرایط اقلیمی خاص بوده و ساختار معیشتی و اجتماعی حاکم بر آن باعث شده‌است که گونه‌های منحصربه‌فردی از معماری مسکن در آن شکل گرفته که این گونه‌ها شامل گونه پایه، خطی، L شکل، U شکل، حیاط مرکزی و کوشکی می‌باشند. به‌نظر می‌رسد با توجه به اینکه ساخت‌وسازهای اخیر در مناطق روستایی سیستان با الگوبرداری از مسکن شهری شکل گرفته‌است، شناخت این گونه‌ها می‌تواند منجر به احیای مسکن بومی روستایی سیستان گردد.

کلمات کلیدی: گونه‌شناسی، روستا، مسکن بومی، فضای باز و بسته، سیستان.

* استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه زابل، ، زابل، ایران. z.oveise@uoz.ac.ir
** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر و معماری دانشگاه زابل، زابل، ایران.
*** استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه زابل، زابل، ایران.
**** استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه زابل، زابل، ایران.

مقدمه

معماری بومی هر منطقه تحت تأثیر شرایط اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی آن منطقه به‌وجود آمده و بیانگر قرن‌ها تجربه در استفاده بهینه از مصالح، روش‌های ساخت و ملاحظات اقلیمی می‌باشد و بی‌توجهی به این مسئله می‌تواند باعث از بین رفتن این نوع معماری و همچنین فراموشی تجربه‌های معماران بومی شود (معقولی و احمدزاده، ۱۳۹۶: ۸۷). شناسایی و حفظ میراث گرانبهای معماری بومی به‌طور عام و معماری روستایی به‌طور خاص ضمن اینکه نوعی پاسداری از سرمایه‌های ملی تاریخی کشور است به ما کمک می‌نماید تا با کشف رمز و رازها، نمادها و نشانه‌هایی که در آن‌ها نهفته است، اصول پایدار به‌جای‌مانده از گذشته را در کالبد جدید جاری نماییم و هویت و اصالت معماری سکونتگاه‌های روستایی حفظ گردد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۲). از طرفی مطالعه بر روی معماری روستایی می‌تواند به طراحی فضاهایی مناسب با شرایط مناطق مختلف و حل بعضی مشکلات موجود در بافت، سکونتگاه‌های روستایی و شهری کمک کرده و به شکل‌گیری مجموعه‌ای از روستاهای مطلوب در کشور منجر شود (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲). برای دست‌یابی به این هدف، گونه‌شناسی یکی از ابتدایی‌ترین گام‌های علمی محسوب می‌شود و شناخت و دسته‌بندی صحیح گونه‌های مختلف معماری می‌تواند در درک بهتر فضا، حفاظت از آن و نیز در دست‌یابی به شیوه‌های جدید طراحی مفید واقع گردد (حسن‌پور لمر، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

تنوع معماری در یک منطقه محدود نیز به‌وضوح قابل‌مشاهده است و منطقه سیستان هم از این قاعده مستثنی نیست؛ به‌نحوی‌که از نظر بافت کالبدی و شکل‌گیری فضای باز و بسته، سکونت‌گاه‌های روستایی این منطقه متفاوت بوده و همین امر باعث به‌وجود آمدن گونه‌های منحصربه‌فرد مسکن در این منطقه شده‌است که متأثر از تعامل بین ویژگی‌های محیط انسانی و محیط طبیعی پیرامون او می‌باشد و تفاوت بین این ویژگی‌ها و نحوه تعامل آن‌ها، گونه های مختلف مسکن را پدید آورده‌است.لذا گونه‌های مسکن بیانگر تعامل عوامل گوناگون است و به‌علت نقش تعیین‌کننده بستر محیط روستاها و همچنین دخالت کمتر نیروهای بیرونی در شکل‌گیری آن‌ها، نمونه‌های بسیار باارزشی برای بررسی و یادگیری از تأثیرپذیری هر یک از عوامل فوق و یا روابط میان آن‌ها به‌حساب می‌آید. با توجه به اینکه گونه‌شناسی مسکن روستایی در اکثر نقاط کشور توسط محققین و نهادهای ذی‌ربط انجام گرفته‌است، شناخت و معرفی گونه‌های مسکن بومی سیستان که هنوز هم در بافت روستایی منطقه در حال استفاده و بهره‌برداری است و یافتن مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر شکل‌گیری گونه پایه تا گونه‌های کامل‌تر جهت دست‌یابی به الگوهای مناسب برای طراحی ضروری به‌نظر می‌رسد.

پرسش‌های پژوهش

با توجه به اهداف و ضرورت‌های بیان‌شده در مقدمه، مقاله حاضر در پی پاسخ‌دادن به سؤالات زیر است:

– آیا می‌توان انواع مسکن بومی سیستان را در قالب گونه‌هایی مشخص با ویژگی‌های مشابه از نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته دسته‌بندی کرد؟

– چه نوع گونه‌هایی از مسکن بومی در سیستان شکل گرفته‌است؟

روش تحقیق

با توجه به هدف این مقاله که شناخت و بررسی گونه‌های معماری مسکن بومی سیستان از نقطه‌نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته می‌باشد، روش تحقیق به‌صورت توصیفی‌تحلیلی با تکیه بر مشاهدات میدانی

است. برای گونه‌بندی مسکن بومی سیستان، اطلاعات از طریق ۲۰ روستای منتخب که دارای بافت بومی غنی‌تری بوده‌اند از میان بالغ بر ۹۰۰ روستای منطقه سیستان، استخراج شده‌است. در ادامه با استفاده از برداشت‌های میدانی و مقایسه اطلاعات بر مبنای تشابهات شکلی از بناهای برداشت‌شده باارزش هر روستا که متأثر از اقلیم و شرایط معیشتی مردم شکل گرفته‌است، به دسته‌بندی و نهایتاً گونه‌بندی مسکن بومی سیستان پرداخته شده‌است.

مبانی نظری و پیشینه موضوع

واژه تیپولوژی یا گونه‌شناسی در فرهنگ غربی از ریشه کلمه «تایپ» گرفته شده‌است که در زبان انگلیسی معادل واژه‌های «مدل، نمونه، فرم، دسته، نماد و ویژگی» است. در تعاریف علمی گونه به‌نوعی از دسته‌بندی اطلاق می‌گردد که در آن تعدادی از اشیای مختلف براساس یک یا یک‌سری[1] از ویژگی‌های مشترک سازمان‌دهی می‌شوند و علمی که به شناخت و تحلیل گونه‌ها می‌پردازد گونه‌شناسی نامیده می‌شود. معیارهای این شناخت بسته به نگاه محقق می‌تواند متفاوت باشد (معماریان و دهقانی تفتی، ۱۳۹۷: ۲۲). مدرسه موراتوری[2]ها بزرگ‌ترین ایده‌پردازان گونه‌شناسی معماری در دنیا قلمداد می‌شود که گونه پایه را یک فضای ساده (مثلاً یک اتاق) می‌داند که از آن گونه‌های کامل‌تر آغاز می‌گردند. موراتوری‌ها گونه پایه را دارای ریشه‌ای قدیمی‌تر و آن را سلول نخستین یا اولیه می‌دانند (همان: ۲۷). پژوهشگران، دو حوزه مکانی برای کاربرد گونه و گونه‌شناسی در معماری قائل شده‌اند که یکی از آن‌ها در جنوب اروپا و کشورهایی مانند ایتالیا و فرانسه است که به جنبه‌های نظری موضوع بسیار توجه داشته‌اند و دیگری به فرهنگ شمال اروپا می‌توان اشاره نمود که گونه را صرفاً مفهومی شکلی می‌دانند و برای تحلیل آن از روش‌های عددی استفاده می‌کنند. همچنین معتقدین به اندیشه نحو فضا در معماری از دو گونه «الگوی زیستی» و «الگوی کالبدی» نام می‌برند که الگوی نخست ارتباط فضایی حاکم یک بنا را نشان می‌دهد که در دیگر بناها نیز قابل تکرار می‌باشد و دومی به جسم یا کالبد بنا نظر دارد که می‌توان به آن گونه شکلی نام داد (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۹۹). راهب بیان می‌دارد که گونه مسکن حاصل تعامل انسان با محیط بوده و برآمده از زمینه می‌باشد؛ لذا ضروری است مؤلفه‌های زمینه‌ای نیز بررسی شده و اثرات آن بر شکل‌گیری مسکن موردتوجه قرار گیرد. وی بیان می‌دارد متغیرهای مؤثر در دو دسته متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل قابل‌طرح هستند. متغیرهای مستقل عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌دهی مسکن و متغیرهای وابسته، ابعاد مختلف شکل‌گیری مسکن هستند که پاسخگویی عوامل کالبدی به متغیرهای مستقل، تعریف کننده گونه‌های مختلف مسکن است (راهب، ۱۳۹٤ :۱۵).

در جدیدترین پژوهش مرتبط، معماریان و دهقانی تفتی ضمن بررسی نظریات مختلف در مورد گونه و گونه‌شناسی، در تعریف پیشنهادی خود از گونه به‌عنوان یک واقعیت چندبعدی و مرکب از اندام‌ها و طرحواره‌ها یاد کرده که به‌طور هم‌زمان لایه‌های مادی و غیرمادی در آن حضور می‌یابند. در این تحقیق گونه به‌عنوان شمایی کالبدی و عجین‌شده با زندگی ساکنان، ذهنیت معماران و تجربیات معنایی و معماری گذشتگان تعریف شده‌است (معماریان و دهقانی تفتی، ۱۳۹۷: ۳٦). با همه این اوصاف به‌نظر می‌رسد واژه گونه و گونه‌شناسی به‌واسطه پشتوانه تاریخی‌اش بیشتر تداعی‌کنندهٔ جنبه‌های شکلی و فیزیکی است و تحقیقات متعددی در نقاط مختلف کشور از این حیث انجام گرفته‌است (حسن‌پور لمر، ۱۳۹۳؛ معقولی و احمدزاده، ۱۳۹٦؛ آزاد

و همکاران، ۱۳۹۷؛ دانا سالم و همکاران، ۱۳۹۸).

در ایران از دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، گونه‌شناسی یکی از موضوعات مورد بحث دو سازمان دولتی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن شد که هدف اصلی از مطالعات گونه‌شناسی، دستیابی به الگوهای مناسب برای طراحی بوده است. همچنین تحقیقات متعددی توسط افراد مختلف به خصوص شرکت‌های مشاور صورت گرفته‌است که هرکدام از آن‌ها از معیارهای متفاوتی بهره گرفته‌اند (معماریان، ۱۳۸۷: ۲۰۱). غلامحسین معماریان در کتاب «آشنایی با معماری مسکونی ایرانی» (گونه‌شناسی برونگرا) به بررسی معماری مساکن بومی دشت گیلان، ماسوله و ابیانه پرداخته است و اظهار می‌دارد که طبیعت عامل تعیین‌کننده معماری مساکن این مناطق است و طرح کلی گونه‌شناسی مسکن را برای هر یک از مناطق فوق ترسیم کرده‌است. همچنین او در کتاب دیگری با همین نام به گونه‌شناسی درون گرا پرداخته و به بررسی معماری مساکن بومی بوشهر، یزد و زواره می‌پردازد (معماریان، ۱۳۸۷).

در سیستان نیز محققین زیادی در حوزه معماری بومی و روستایی مطالعاتی انجام داده‌اند (Tate,1910؛ داوطلب و آذرسا، ۱۳۸۸؛ فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۳؛ سرگزی، ۱۳۹۵؛ معماریان و همکاران، ۱۳۹۶). در حوزه گونه‌شناسی در این منطقه اویسی کیخا در رساله خود با عنوان «برهم‌کنش عوامل اقلیمی و اجتماعی در شکل‌گیری فضاهای باز و بسته سکونتگاه‌های بومی روستایی ایران» ضمن بررسی گونه‌های مختلف به بررسی سکونتگاه‌های بومی در سیستان پرداخته‌است (اویسی کیخا، ۱۳۹۲)؛ همچنین حیدری در زمینه گونه‌شناسی مسکن روستایی سیستان بیان می‌دارد که شکل‌گیری مسکن بومی در منطقه سیستان از سلولی به‌نام «اتاق» شروع می‌شود و از ترکیب اتاق‌ها، خانه روستایی بومی سیستان شکل می‌گیرد (حیدری، ۱۳۹٤: ۵۵). علی‌رغم مطالعات انجام‌شده فوق، تاکنون تحقیقی با هدف احیای معماری روستایی در سیستان صورت نگرفته‌است؛ لذا این تحقیق به گونه‌شناسی سازمان‌دهی فضایی مسکن بومی منطقه سیستان که نماینده معماری بومی این منطقه است از نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته با هدف فوق می‌پردازد.

بحث و نتایج

مطالعه موردی تحقیق

دشت سیستان در جلگه پست و هموار در جنوب شرقی کشور و در شمال استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. این منطقه از شمال و شرق به افغانستان، از جنوب به شهرستان زاهدان، از غرب و شمال غربی به کویر لوت و شهرستان بیرجند محدود است (افشارسیستانی، ۱۳۷۰: ۱٤۵). جهت بررسی مطالعات میدانی با هدف گونه‌شناسی مسکن بومی سیستان، تعداد ۲۰ روستا که دارای بافت غنی و ارزشمند بود به‌عنوان نمونه انتخاب شد و مساکن منتخب بومی برداشت و مورد تحلیل قرار گرفت (تصویر شماره ۱).

ویژگی‌های مسکن بومی سیستان

مسکن بومی در منطقه سیستان نیز مانند سایر نقاط کشورمان با تأکید بر شرایط آب‌وهوایی و امکاناتی که محیط در اختیار معمار بومی قرار می‌دهد برپا شده‌است. یکی از اصول معماری بومی را می‌توان حداکثر استفاده از انرژی‌های طبیعی و حداقل استفاده از انرژی‌های فسیلی ذکر نمود؛ که در منطقه سیستان نیز این امر به‌خوبی مشهود است. معماران بومی سیستان به بهترین نحو ممکن از پدیده اقلیمی غالب منطقه؛ یعنی بادهای ۱۲۰ روزهٔ سیستان[۳] استفاده نموده‌اند (داوطلب و آذرسا،

۱۳۸۹، ٦). جهت وزش این بادها از شمال غربی به جنوب شرقی است؛ تأثیر این بادها در تعدیل شرایط گرمای منطقه تا حدی است که بر جهت‌گیری کالبدی سکونتگاه‌های بومی منطقه (تصویر شماره ۲) به‌نحوی تأثیر گذاشته‌است که امکان هدایت جریان باد به داخل منازل مسکونی را از طریق بادگیرهای ویژه (کُلَک[٤]) تأمین نماید (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). در منطقه سیستان، جهت استفاده حداکثر از این بادها و بهره‌گیری از انرژی خورشید، خانه‌ها طوری ساخته می‌شوند که کُلَک‌ها رو به شمال غرب (رو به باد) و درب خانه‌ها در قسمت جنوب شرقی (پشت به باد) واقع می‌شود (گل‌محمدی، ۱۳۹۰، ٨٤) (تصویر شماره ۲).

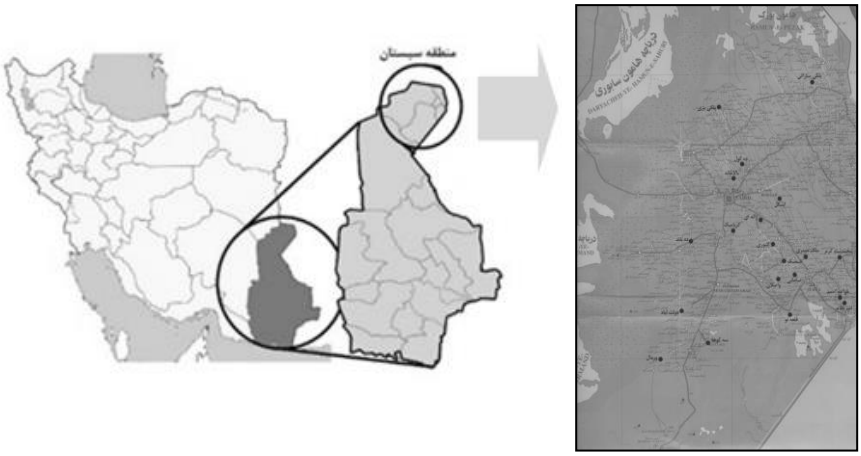

ت ۱. نقشه منطقه سیستان و موقعیت و نام روستاهای منتخب (مأخذ: نگارندگان).

ت ۲. نمایی از معماری بومی منطقه سیستان، بافت روستای قلعه‌نو (مأخذ: معماریان و همکاران، ۱۳۹٦ :۲٦).

گونه‌شناسی مسکن بومی سیستان

یکی از عوامل مهم در تعیین نوع گونه در منطقه سیستان تفکیک عرصه‌های فضای زیست و دام می‌باشد؛ که این تقسیم‌بندی منجر به ایجاد فضاهایی همچون دَکُنچه[٥] و مهتابی شده‌است:

دکنچه: در گونه‌هایی از مسکن روستایی که فضای دام و فضای زیست در دو جبهه متفاوت قرار دارند، به محوطه باز جلوی فضاهای زیست که توسط این فضاها احاطه شده و معمولاً به‌وسیله دیواری به ارتفاع ٦۰ سانتی‌متر از حیاط اصلی جدا می‌گردد دکنچه گفته می‌شود. با توجه به اینکه این فضا در جبهه جنوبی و بخش پشت به باد واقع شده‌است، لذا به‌دلیل مطلوب

بودن هوا و آرامش سرعت باد در این ناحیه جهت استراحت در عصرها و شب‌ها کاربرد دارد (تصویر شماره ۳).

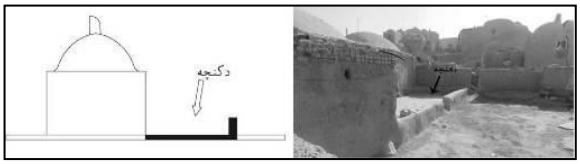

ت ۳. موقعیت قرارگیری دکنچه در مسکن بومی سیستان (مأخذ: نگارندگان).

مهتابی: فضایی است محصور و بدون سقف که در میان اتاق‌ها واقع شده‌است و در گونه‌هایی از مسکن روستایی سیستان کاربرد دارد که فضای زیست در طبقه بالا و فضای دام در طبقه پایین آن قرار دارد. کاربرد این فضا همانند دکنچه می‌باشد (تصویر شماره ٤).

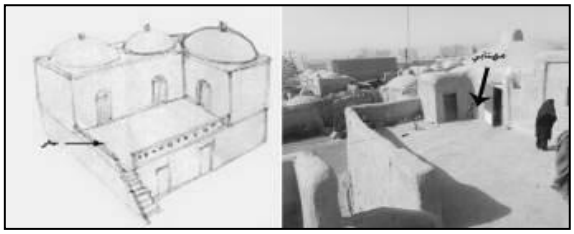

ت ٤. موقعیت قرارگیری مهتابی در مسکن بومی سیستان (مأخذ: نگارندگان).

با توجه به اطلاعات و مشاهدات به‌دست‌آمده از مساکن بومی موجود در روستاهای منتخب و با در نظر گرفتن عوامل اقلیمی، محیطی، معیشتی، اجتماعی و همچنین خصوصیات فرم کلی معماری خانه‌های بومی منطقه، می‌توان مساکن موجود در منطقه سیستان را به دسته‌بندی کلی زیر تقسیم‌بندی کرد:

گونه پایه، گونه خطی، گونه L شکل، گونه U شکل، گونه حیاط مرکزی و گونه کوشکی

گونه پایه (سلول اولیه)

نخستین گونه شناسایی‌شده در منطقه سیستان که قدمتی چند هزارساله دارد، گونه پایه است. این گونه بسیار ساده و ابتدایی بوده که از آن به‌عنوان سلول اولیه شکل‌گیری مسکن بومی منطقه یاد می‌شود (حیدری، ۱۳۹٤: ۵۵) و تحت تأثیر عوامل مختلف و به‌تدریج به اشکال پیچیده‌تری تغییر یافته‌است (تصویر شماره ۵).

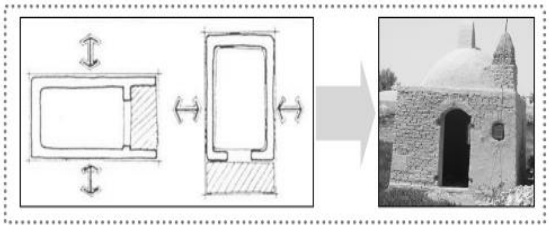

ت ۵. نمونه گونه پایه در مسکن بومی سیستان (مأخذ: نگارندگان).

گونه خطی

گونه خطی شامل دو یا تعداد بیشتری اتاق بوده که به‌صورت ردیفی در کنار هم واقع شده و معمولاً در جبهه شمال غربی مسکن و به‌منظور بهره‌گیری از انرژی باد قرار گرفته‌است. فضای بسته این نوع واحد مسکونی همه عرض زمین و یا در برخی موارد تا دوسوم آن را اشغال می‌نماید. همچنین فضای باز در این گونه مسکونی نسبت به فضای بسته آن از وسعت بیشتری برخوردار است (تصویر شماره ٦). این گونه از نظر تفکیک عرصه زیست و دام به دو زیرگونه دکنچه‌دار و مهتابی‌دار تقسیم می‌شود.

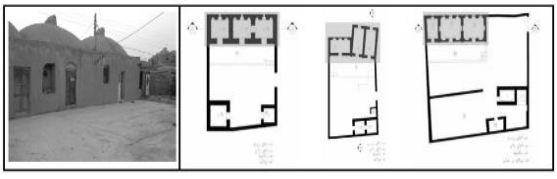

ت ٦. نمونه‌هایی از گونه بنای خطی در روستاهای منتخب (مأخذ: نگارندگان)

این نوع الگو بیشتر توسط روستائیان کشاورز، دامدار و یا کارگران و شاغلین بخش خدماتی مورداستفاده قرار گرفته‌است. همچنین این الگو اغلب در روستاهایی که دارای بافت پیوسته و مجتمعی هستند، دیده می‌شود.

گونه L شکل

این نوع گونه شکل کامل‌تر الگوی خطی بوده که به‌صورت L شکل اجرا شده‌است فضای بسته در این الگو مانند گونه خطی معمولاً در جبهه شمال غربی مسکن و فضای باز آن در جبهه جنوب شرقی قرار گرفته‌است. بال کوتاه‌تر این گونه که معمولاً شامل یک یا دو اتاق تودرتو می‌باشد، دارای کاربری پذیرایی و یا بعضاً خدماتی (مطبخ و انباری) است (تصویر شماره ۷). دکنچه و مهتابی به‌عنوان فضای باز عرصه زیست، در این الگو نیز وجود دارد. از بعد اقتصادی و اجتماعی، کاربران این نوع الگو بنیه اقتصادی بهتری نسبت به الگوی خطی دارند.

ت ۷. نمونه‌هایی از گونه L شکل در روستاهای منتخب (مأخذ: نگارندگان).

گونه U شکل

این نوع گونه که به شکل U می‌باشد از حداقل ۳ اتاق تشکیل شده‌است و گاهاً بسته به طبقه اجتماعی و وسع مالی استفاده‌کننده به چندین اتاق می‌رسد و نمونه کامل‌تری از دو گونه قبلی به‌حساب می‌آید. جای‌گیری فضای بسته نسبت به فضای باز، در این نوع گونه به‌نحوی است که بدنه شمالی در مجاورت معبر و بدنه جنوبی بنا به سمت فضای باز مسکن قرار دارد. ایوان سرپوشیده‌ای که در برخی از نمونه‌ها در مقابل اتاق‌ها احداث شده‌است، نقش عمده‌ای در خنک کردن فضای داخلی و خصوصاً تهویه اتاق‌ها دارد. نمونه‌های دکنچه دار این گونه مسکونی، فضای بسته دامی و خدماتی غالباً در جبهه جنوبی فضای باز قرار می‌گیرد؛ ولی نمونه‌های مهتابی‌دار این گونه در میان روستاییان، مسکن ایده‌آلی بوده و به طبقه مرفه‌تر اختصاص دارد (تصویر شماره ۸).

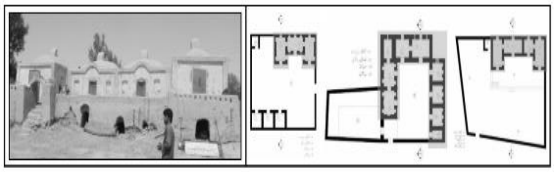

ت ۸ نمونه‌هایی از گونه U شکل در روستاهای منتخب (مأخذ: نگارندگان).

گونه حیاط مرکزی

به‌طورکلی گونه حیاط مرکزی کاملاً درون‌گرا بوده و کلیه نماهای آن رو به حیاط می‌باشد. این گونه شامل مجموعه کاملی از اتاق‌ها با کاربری‌های زیستی و خدماتی بوده که فضاهای اصلی زیست آن در جبهه شمال غربی جهت استفاده از انرژی باد برای تهویه طبیعی قرار گرفته‌است. مالکین این نوع واحدهای مسکونی اغلب خوانین منطقه بوده‌اند و گونه مذکور بیشتر در روستاهایی با بافت فشرده دیده می‌شود. در این گونه نماهای جانبی بنا باعث کنترل تابش آفتاب و ایجاد سایه در سطوح مختلف می‌گردد. همچنین در فصل زمستان به‌دلیل فشردگی و متراکم بودن بنا، فضاها در مقابل جریان هوای سرد از یکدیگر محافظت می‌نمایند (تصویر شماره ۹).

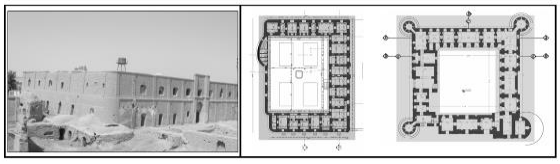

ت ۹. دو نمونه از گونه حیاط مرکزی در روستاهای منتخب سیستان (مأخذ: نگارندگان).

گونه کوشکی

در ادوار گذشته سیستان نوعی بنای کوشک‌خانه که معروف به خانه سرداری است احداث شده‌است. این

نوع گونه ویژه حاکمین محلی بوده و از نوع معماری وارداتی می‌باشد. گونه فوق محصول فرهنگ جمعی نمی‌باشد و توسط قشر حاکم با نوعی اعمال سلیقه شخصی در مقابل فرهنگ محلی و بناهای بومی شکل گرفته‌است و با معماری بومی سازگاری کمی دارد، بنابراین نوع قشر و طبقه اجتماعی و توان اقتصادی فرد در شکل‌گیری این نوع گونه که در سطح منطقه به‌صورت پراکنده دیده می‌شود، تأثیر زیادی داشته‌است. در این نوع گونه که غالباً یک طبقه می‌باشد، پلان بنا در داخل حیاطی محصور با دیوارهای بلند قرار گرفته‌است که دارای فرمی برونگرا می‌باشد. همچنین در برخی از نمونه‌ها، فضاهایی در گوشه‌ای از زمین برای کارهای خدماتی در نظر گرفته شده‌است. برای برخی از نمونه‌های این گونه، سه ورودی برای بخش بیرونی، اندرونی و خدماتی در نظر گرفته شده‌است. ورود به فضای بسته اغلب از ضلع شمالی بنا و از طریق یک ایوان عمیق صورت می‌گرفته است (تصویر شماره ۱۰).

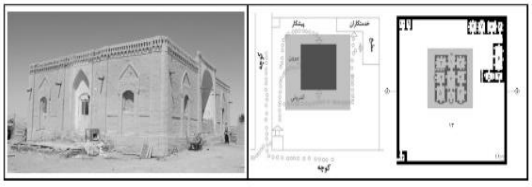

ت ۱۰. دو نمونه از گونه کوشکی در روستاهای منتخب سیستان (مأخذ: نگارندگان).

تحلیل گونه‌شناسی

گونه‌شناسی راهی برای دسته‌بندی خانه‌های روستایی براساس فرم و پلان روابط فضایی و شناخت فضاهای ساخته شده‌است (معقولی و احمدزاده، ۱۳۹۶). شکل‌گیری گونه‌های مسکن، حاصل فرایندی تعاملی میان نیروهای مؤثر بر آن است که به‌تدریج از گونه‌های ابتدایی تا گونه‌های کامل‌تر ظاهر می‌شود. این گونه‌ها محصول فرهنگ جمعی بوده که در طی زمان توسط مردم همان منطقه شکل گرفته و سیر تکاملی را طی کرده‌است و با فرهنگ بومی هر منطقه سازگار شده‌است.

در این پژوهش سعی شده‌است گونه‌بندی از نظر معماری صورت گیرد و معیار اصلی آن شکل کلی بنا و رابطه فضای باز و بسته بوده‌است. در سیستان از گذشته پیش‌ازتاریخ، سکونت به‌صورت دائم (نه موقتی) وجود داشته‌است و شکل‌گیری سکونتگاه‌های خشتی در آن قدمتی دیرینه دارد. طبق بررسی میدانی انجام‌شده، مسکن اولیه مردم بسیار ساده و ابتدایی بوده که این بناها از اشکال ساده به‌تدریج و تحت تأثیر عوامل مختلف، به اشکال پیچیده‌تری تغییر و رشد یافته‌است. براساس یافته‌های تحقیق خانه‌های روستایی این منطقه به ٦ گونه پایه، خطی، L شکل، U شکل، حیاط مرکزی و کوشکی تقسیم می‌شوند (جدول شماره ۱).

در این پژوهش مشخص گردید که به استثنای گونه‌های حیاط مرکزی و کوشکی، در همه گونه‌ها اجزای فضایی سکونتگاه از یک سلول پایه تشکیل شده‌است و این رشد و گسترش سلول پایه براساس نیازها و عوامل مختلفی از قبیل عوامل اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و اقلیمی بوده‌است. از طرفی مشخص شد یکی از عوامل تأثیرگذار در تعیین نوع گونه، بحث تفکیک عرصه زیست و عرصه دام بوده‌است؛ به‌این‌ترتیب گونه‌های رایج شناخته‌شده، به دو بخش دکنچه‌دار و مهتابی‌دار تقسیم گردید. همچنین بسته به بافت روستا، گونه‌های مختلف اجرا گردیده‌است. گونه‌های خطی، L شکل و U شکل بیشترین فراوانی را در روستاهایی با بافت پیوسته و مجتمعی دارد؛ علاوه‌برآن، گونه مذکور در پیرامون روستاهایی با بافت فشرده و تپه‌ای نیز دیده می‌شود؛ اما

در این بافت‌ها نسبت فضای باز به بسته، کمتر از روستاهایی با بافت پیوسته و مجتمعی می‌باشد. بیشترین فراوانی زیرگونه‌های مهتابی‌دار، در روستاهایی با بافت فشرده و تپه‌ای دیده می‌شود. گونه‌های حیاط مرکزی و کوشکی نیز به‌صورت موردی در برخی از روستاهای منطقه با بافت فشرده قرار دارد. دلایل این امر ناشی از تأثیر عوامل محیطی بر شکل‌گیری بافت روستاها می‌باشد؛ به‌طوری‌که اغلب روستاهای فشرده در جوار زمین‌های حاصل‌خیز و به دور از مسیر خطر طغیان رودخانه‌ها و سیلاب و مسیر اصلی وزش بادهای طوفان‌زا که از عوامل ناپایداری در منطقه است، احداث شده‌است و خطر متروکه شدن و مدفون‌شدن روستاها در زیر تپه‌های شنی کمتر وجود داشته‌است. در روستاهای بافت پیوسته و مجتمعی که در مجاورت دریاچه هامون قرار گرفته‌است، گونه‌های ساده‌تری شکل گرفته‌است؛ زیرا عوامل ناپایدار فوق شدت بیشتری در آن‌ها داشته‌است و مانع از استقرار جمعیت و شکل‌گیری روستاها با بافت متراکم می‌شده است؛ به‌نحوی‌که مهاجرت از این روستاها و متروکه شدن آن‌ها بیشتر از دیگر روستاها بوده‌است.

ردیف	نوع گونه	پلان	عکس	توضیحات
۱	پایه			
۲	خطی			دکنچه‌دار
				مهتابی‌دار
۳	شکل L			دکنچه‌دار
				مهتابی‌دار
٤	شکل U			دکنچه‌دار
				مهتابی‌دار
٥	حیاط مرکزی			
٦	کوشکی			

ج ۱. گونه‌بندی مسکن بومی سیستان از نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته (مأخذ: نگارندگان).

در سیستان گونه‌ها از نوع ساده به پیچیده بر حسب توان اقتصادی افراد نیز تغییر می‌یافته است. براساس مطالعات صورت‌گرفته، معمولاً گونه بنای خطی از نوع ساده بوده و افراد کم‌درآمد بیشتر از آن استفاده می‌نمایند و در برخی از موارد گونه بنای خطی به‌ویژه الگوی مهتابی‌دار توسط کسانی که از تمکن مالی بهتری برخوردار بوده‌اند مورداستفاده قرار می‌گرفته است. گونه حیاط مرکزی و کوشکی مختص خوانین و کدخدایان محلی بوده و به خانه سرداری معروف می‌باشد (تصویر شماره ۱۱).

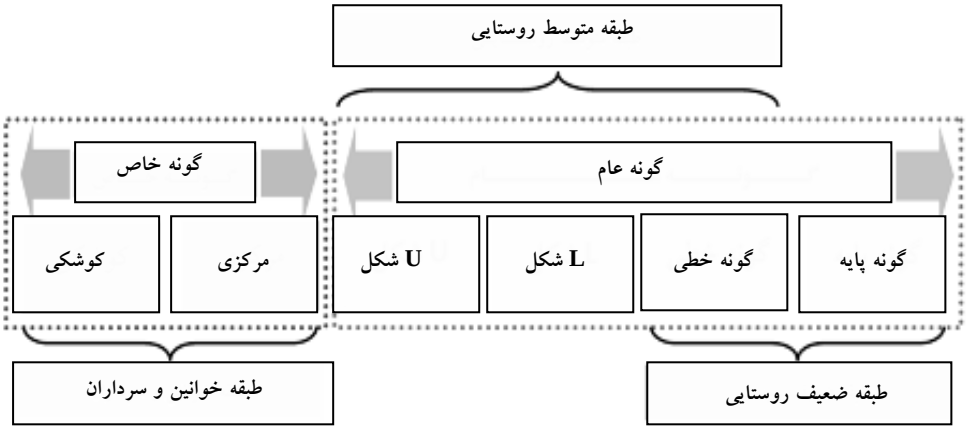

ت ۱۱. گونه‌های عام و خاص مسکن بومی سیستان و طبقه‌بندی کاربران آن‌ها (مأخذ: نگارندگان).

نتیجه

نگاهی به مطالعات صورت‌گرفته در زمینه گونه‌شناسی مسکن بومی، نشان می‌دهد که علی‌رغم معماری غنی و منحصربه‌فردی که در بافت بومی روستاهای سیستان موجود می‌باشد؛ مطالعات جامعی در خصوص گونه‌شناسی سازمان‌دهی فضایی مسکن بومی در این منطقه صورت نگرفته‌است. نویسندگان در این پژوهش کوشیدند ضمن شناخت و بررسی گونه‌های معماری مسکن بومی سیستان از نقطه‌نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته، با استفاده از برداشت‌های میدانی و مقایسه اطلاعات بر مبنای تشابهات شکلی از بناهای برداشت‌شده باارزش هر روستا که متأثر از اقلیم و شرایط معیشتی مردم شکل گرفته‌است، به دسته‌بندی و نهایتاً گونه‌بندی سازمان‌دهی فضایی مسکن بومی سیستان بپردازند.

بررسی‌های به‌عمل‌آمده نشان داد که مسکن اولیه مردم این منطقه بسیار ساده و ابتدایی بوده و بناهای مسکونی منطقه از اشکال ساده به‌تدریج و تحت تأثیر عوامل مختلف، به اشکال پیچیده‌تری تغییر و رشد یافته‌است؛ همچنین خانه‌های روستایی منطقه به ٦ گونه پایه، خطی، L شکل، U شکل، حیاط مرکزی و کوشکی تقسیم می‌شوند. همچنین مشخص گردید که یکی از عوامل تأثیرگذار در تعیین نوع گونه، بحث تفکیک عرصه زیست و عرصه دام بوده‌است؛ به‌این‌ترتیب گونه‌های دارای بیشترین فراوانی (خطی، L شکل و U شکل)، به دو زیرگونه دکنچه‌دار و مهتابی‌دار تقسیم گردید. علاوه‌برآن، تحقیق نشان داد که گونه حیاط مرکزی و کوشکی مختص خوانین و کدخدایان محلی بوده و به خانه سرداری معروف می‌باشد.

با توجه به اینکه ساخت‌وسازهای اخیر در مناطق

روستایی سیستان با الگوبرداری از مسکن شهری شکل گرفته‌است، شناخت این گونه‌ها می‌تواند منجر به طراحی مسکن بومی روستایی در معماری امروز سیستان گردد. تمرکز این تحقیق به‌طور ویژه بر روی سازمان‌دهی فضایی مسکن روستایی سیستان بود و پیشنهاد می‌گردد تحقیقاتی دیگر در آینده با نگرش‌های متفاوت اقلیمی، اجتماعی و ... گونه‌شناسی مسکن روستایی این منطقه را بررسی نمایند.

پی‌نوشت

۱. مجموعه‌ای از چیزها و ویژگی‌ها که با هم کلیتی را می‌سازند.

2. Moratoria School

۳. بادهای ۱۲۰ روزه که از اواخر بهار شروع و در تمامی طول تابستان می‌وزد.

4.Kolak

5.Dakoncheh

فهرست منابع

– افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۰)، عشایر و طوایف سیستان، تهران انتشارات نسل دانش، تهران.

– اویسی‌کیخا، زهره. (۱۳۹۲)، برهم‌کنش عوامل اقلیمی و عوامل اجتماعی در شکل‌گیری فضاهای باز و بسته سکونتگاه-های بومی روستایی ایران، نمونه موردی: سیستان، پایان‌نامه دوره دکتری در رشته معماری، دانشکده معماری دانشگاه تربیت مدرس.

– حسن‌پور لمر، سعید. (۱۳۹۳)، گونه‌شناسی خانه‌های سنتی شهرستان تالش، نمونه موردی: روستای خاله سرا ۵. مسکن و محیط روستا، شماره ۱٤۷، صص ۱۳۱–۱۱۷.

– حیدری، ابوالفضل. (۱۳۹٤)، مطالعه و تحلیل شیوه‌های بومی استفاده از باد در جهت الگوگیری و اصلاح معماری مسکن روستایی سیستان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علم و صنعت ایران.

– حیدری، ابوالفضل؛ معماریان، غلامحسین؛ محمدمرادی، اصغر؛ حسینعلی‌پور، سیدمصطفی. (۱۳۹۳)، بررسی امکان‌پذیری شیوه‌های بومی استفاده از باد در جهت بهبود هویت در معماری مسکن روستایی امروز سیستان، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی – اسلامی در معماری و شهرسازی، مشهد.

– داوطلب، جمشید؛ آذرسا، ساناز. (۱۳۸۸)، «الگوی مسکن روستایی سیستان با تأکید بر معماری بومی»، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.

– راهب، غزال. (۱۳۹٤). واکاوی مفهوم «گونه» در مسکن بومی و تبیین رویکردی برای دسته‌بندی گونه‌های مسکن روستایی در ایران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۰، صص ۱۸–۳.

– سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی معماری روستایی به‌سوی سکونتگاه‌های مطلوب، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.

– سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۷)، روستا سکونتگاه مطلوب، مسکن و انقلاب، پاییز، صص ۱۲–۲.

– سرگزی، محمدعلی. (۱۳۹۵)، تأثیر محدوده آسایش حرارتی بر طراحی معماری منطقه سیستان، جغرافیا و آمایش شهری – منطقه‌ای، شماره ۱۹، صص ۲٦–۱۷.

– فاضل‌نیا، غریب؛ کیانی، اکبر؛ خسروی، محمدعلی؛ بندانی، میثم. (۱۳۹۰). بررسی انطباق الگوی بومی توسعهٔ کالبدی – فیزیکی روستای تمبکاء شهرستان زابل با جهت حرکت طوفان های شن و ماسه، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳٦، صص ۱٦–۳.

– گل‌محمدی، فرهود. (۱۳۹۰)، بررسی شیوه‌های آموزش و ترویج دانش بومی معماری روستایی (نمونه موردی: استان سیستان و بلوچستان)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳٦، صص ۹٤–۷۹.

– معقولی، نادیا؛ و احمدزاده، معصومه. (۱۳۹٦)، گونه‌شناسی مسکن روستایی شهرستان سوادکوه از نظر معماری و سازه. مسکن و محیط روستا، شماره ۱٦۰، صص ۱۰۲–۸۷.

– معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه‌شناسی برونگرا)، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه‌شناسی درونگرا)، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

- معماریان، غلامحسین؛ دهقانی تفتی، محسن. (۱۳۹۷)، در جستجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: خانه‌گونه تالاردار شهر تفت). مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۲، صص ۳۸-۲۱.

- معماریان، غلامحسین؛ محمدمرادی، اصغر؛ حسینعلی‌پور، سیدمصطفی؛ حیدری، ابوالفضل؛ دودی، سعیده (۱۳۹۶)، تحلیل رفتار باد در تهویه طبیعی مسکن بومی روستای قلعه‌نوی سیستان به کمک CFD، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۷، صص ۳۶-۲۱.

- میرلطفی، محمودرضا؛ توکلی، مرتضی؛ بندانی، میثم. (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی وضعیت استقرار جهات جغرافیایی مسکن روستایی و مصرف انرژی در منطقه سیستان، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۸، صص ۵۲-۳۹.

- Tate, G. P., (1910). Sistan, a Memoir on the History, Topography, Ruins, and People of the Country. Calcutta: Supt. Govt. Print.

- https://doi.org/10.22034/39.171.61